

احمد شاهوند

جدیدترین ساخته داریوش مهرجویی که با تهیه‌کنندگی رضا درمیشیان پس از سه سال به روی پرده سینماهای ایران رفته، در ادامه ناکامی‌های سازنده‌اش در دهه نود، همچنان هیچ نشانی از داریوش مهرجویی بزرگ ندارد. همه چیز در فیلم سطحی و سردستی است. از شخصیت پردازی تا روایت غیرسراسر است. یک زمانی کیمیایی متهم می‌شد - و البته همچنان می‌شود - به کپی از روی دست خودش و حالا این مهرجویی است که حتی نمی‌تواند از روی دست خودش هم کپی کند. روایت در «لامینور» کاریکاتوری است از آن چه که در اواخر دهه شصت در «هامون» دیدیم و نمونه‌ای دیگر از آن را البته با اغماض در اواسط دهه هشتاد در «سنتوری» مشاهده کردیم.

همه چیز در «لامینور» شوخی است و اصلاً و ابداً در هیچ یک از نماهایش نمی‌شود جدی نگاهش کرد. از ماجرای لایو تمرین نادی و گروهش که مشخص نشد چه کسی مسئول گرفتن لایو است، چون همه گروه مشغول تمرین هستند و کسی هم آن اطراف حضور ندارد که خواهد با گوشی مشغول تصویربرداری باشد! تا چگونگی آهنگساز شدن نادی! و از همه مهم‌تر آن مهمانی شبانه و آمدن مأمور نیروی انتظامی با بازی بد علی مصفا و در نهایت سکانس پایانی که اجرای بدی دارد. کاراکترهای فیلم که همگی به کاریکاتور شبیه هستند تا آدمی که بشود باورش کرد. از پدر (با نقش آفرینی اغراق آمیز سیامک انصاری که نشان می‌دهد زیادی ماجرا را جدی گرفته است) تا مادری که بیشتر شبیه نامادری است (بهناز جعفری)، پدر بزرگی که زیادی مثبت است (علی نصیریان) تا کاوه آفاقی که قطعاً از تصویری که از خودش در فیلم ترسیم کرده راضی نخواهد بود تا مأمور منفعل نیروی انتظامی (علی مصفا) و نامزد سرخوش (مهرداد صدیقیان). در این میان شاید نادی (با بازی قابل قبول پردیس احمدیه) باشد که تا حدودی شکل و شمایل پدر پذیر به خود گرفته است.

اگر نام داریوش مهرجویی بالای سر «لامینور» نبود، شاید راحت‌تر می‌شد فیلم را تا پایان تحمل کرد اما تنها چیزی که با آمدن عنوان بندی پایانی به ذهن می‌رسد افسوس است برای مهرجویی بزرگ که از «سنتوری» (۱۳۸۵) به بعد بیش از پانزده سال است که فیلمی در خور نام و سابقه‌اش نساخته است.

مازیا فکری ارشاد

خاطرهبازی و حسرت‌خواری نسبت به دوره دوم فیلمسازی داریوش مهرجویی که او را به یکی از بهترین و بحث‌انگیزترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران بدل کرد دیگر بس است. مقایسه «لامینور» و چند فیلم ناموفق اخیر مهرجویی با روزگار درخشان فیلمسازی‌اش بی‌فایده است. مهرجویی دیگر سخت نمی‌گیرد و حرف‌هایش را نه در قالب سینمای فلسفی و مضامین عمیق پیشین، که در حیطه مسائل روزمره و نه چندان سنگین اجتماعی سیر می‌کند. اما شلختگی و بی‌حوصلگی چه در متن و چه در اجرا به فیلم آسیب زیادی زده است. قصه دخترکی سرکش و شیفته موسیقی که پدر و نزدیکانش مثل جامعه دامن او را منع و محدود می‌کنند و او عاقبت به مرحله سرخوردگی می‌رسد حرف تازه‌ای نیست. «لامینور» در واقع نسخه زان «سنتوری» است. اما حتی مثل آن فیلم ملودرام اثر گذاری نیست.



سازنده مهرجویی

سیامک انصاری

نا. امیرالله صابری، رضا داوودنژاد، دیبا زاهدی، سیامک ادیب
پور و با حضور افتخاری، فریماه فرجامی و با معرفی کاوه آفاق
انی، نبون هاید صافی یاری، فرزحی و ترکیب صدا، مهرداد رضا دلپاک، موسیقی کریمتف رضاعی
حدا، صدراذر، امیرحاتمی، طراح جلوه‌های بصری فرید ناظر فصیحی، خواننده کاوه آفاق
حسنوند، مدیر تولید فواد پوریور، بحث، فیلمبرمان، تهیه‌کننده رضا درمیشیان